در مراسم تجلیل دانشجویان و استادان علوم اجتماعی از دکتر زندرضوی عنوان شد؛

دکتر «زندرضوی» عامل «رخداد»

حق نداریم دانشجویان را در کلاس محصور کنیم

گروه جامعه ـ همه آمده بودند تا جایگاه علمی کسی را ارج نهند که در طول چند دهه تلاش بی‌وقفه در کسوت استادی؛ از هیچ کوششی برای بهتر شدن حال مردمان جامعه‌ی خود فروگذار نکرده است. فردی که در شناخت و درک دردهای پنهان و آشکار جامعه و یافتن راهی برای کاهش آلام اجتماعی یک‌روز به انجمن دوستدار کودک پا می‌نهد و روزی دیگر در مدرسه‌ی بچه‌های مشتاق برای تحصیل کودکان کار و دیگر کودکان از تحصیل بازمانده، یک روز زندگی خود را در میان زلزله‌زدگان شهر بم می‌گستراند و روزی دیگر به سریل ذهاب می‌رود. و در این میان، کتاب می‌نویسد، مقاله می‌نویسد و از هر تریبونی برای معرفی ایده‌های خود برای عبور از دانشگاه گلخانه‌ای بهره می‌برد و به دانشگاه در خدمت جامعه می‌اندیشد.

او صاحب تلاش‌های بیشماری است و در عین حال؛ همیشه و در هر شرایطی، ردای معلمی را بر دوش خود نگاه داشته است. «دکتر سیامک زندرضوی» از معدود استادان دانشگاه در استان کرمان است که دستگاه‌های دولتی هم او را می‌شناسند و هرگاه به بن‌بستی برسند و تصمیم داشته باشند به دانشگاه روی بیاورند؛ یاری او را می‌طلبند و او در یاری رساندن بی‌دریغ است. همچنین او از معدود استادانی است که با رسانه‌ها هم به‌راحتی ارتباط می‌گیرد و اکنون که در دانشگاه به بازنشستگی رسیده چشم‌های زیادی به‌دنبال راهی است که پیش‌روی او قرار می‌گیرد؛ آیا با پایان عمر اداریِ استادی، دانشگاه باهنر کرمان دانشجویان را از حضور او محروم می‌سازد یا همچنان در بخش علوم اجتماعی خواهد ماند؟ تصمیم خودش و دانشگاه هرچه که باشد؛ اکنون استادان بخش علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان به‌همراه جمع پرتعدادی از دانشجویان؛ از فرصت استفاده کرده و پیش‌قدم شده و او را شگفت‌زده

تحصیل در دانشگاه پیش‌رو داشتیم. برق دانشگاه شیراز، حقوق دانشگاه ملی، فیزیک دانشگاه تبریز و جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. جامعه‌شناسی را انتخاب کردم به یک دلیل ساده؛ چون می‌خواستم حرفهام تفریحم و تفریحم حرفهام باشد». زندرضوی که پشت تریبون و در میانه‌ی مهر دانشجویان امروز و دیروز و استادان همکار خود ایستاده و این سخنان را بر زبان می‌آورد ادامه می‌دهد: «از سال ۱۳۵۴ که وارد دانشگاه شدم تا به‌امروز برایم همین‌طور بوده که تصور داشتم». او می‌گوید: «از ابتدا فکر می‌کردم دانشگاه نباید گلخانه‌ای باشد و ما حق نداریم دانشجویان را در کلاس درس محصور کنیم. خوشبختی من این بود که در دانشگاه تهران این اتفاق برایم افتاد» او از استادان خود فیروز توفیق، احمد اشرف و بناعزیزی یاد می‌کند که فرصت کسب چنین تجربیاتی را برای او فراهم کرده‌اند و در ادامه توضیح می‌دهد: «دانشجو باید با محیط بیرون از دانشگاه ارتباط برقرار کند اما محدودیت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آن، نگاه امنیتی به دانشگاه است که همیشه وجود داشته است». زندرضوی می‌گوید: «حضور من در جامعه بهترین قسمت زندگی‌ام است و در ادامه به مدرسه مشتاق و انجمن دوستدار کودک اشاره و اظهار می‌کند: «هیچ‌یک از این مراکز قائم به شخص من نبوده و قبل از من هر دو این‌ها بوده‌اند و استمرار آن هم اگر همه‌ی دانشجویان و استادان یاری کنند ادامه خواهد یافت. من و همسرم رویا(اخلاص‌پور) عضو این مراکز شدیم و معنی دانشگاه درون جامعه را آنجا آموختیم».

عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان با اشاره به مشکلات کودکان فاقد کارت هویت و دور ماندن آن‌ها از تحصیل می‌گوید: «آشنایی با این بچه‌ها و مسائلی که داشتند منجر به این شد که انجمن تصمیم به راه‌اندازی مدرسه مشتاق گرفت. آن زمان من بم بودم و به‌همراه یونیسف پروژه‌ی شهر دوستدار کودک را پیگیری می‌کردیم. خوشبختانه این اتفاق افتاد و مدرسه مشتاق با ۳۰ دانش‌آموز شروع کرد و به ۶۰۰ نفر رسید تا این‌که رهبری فرمان دادند تا به این بچه‌ها در مدرسه‌ها آموزش داده شود؛ پس از این فرمان، تعداد بچه‌های ما از ۶۰۰ نفر به ۴۰۰ نفر رسید و هنوز افرادی پشت نوبت قرار دارند و این یعنی نظام رسمی آموزش ما حتی با فرمان رهبری هم پذیرای این بچه‌ها نشده است و این، جای تاسف دارد».

دکتر که در ابتدای سخنان خود از استادان پیشین دانشگاه؛ دکتر مقدس‌جعفری، دکتر کرباسی، خانم دکتر گرامی و نادرنژاد یاد کرده، سخنان خود را با بغض و اشک به پایان می‌برد و در میان تشویق‌های مکرر حاضرین که حالا به احترام او ایستاده‌اند، تریبون را ترک می‌کند.

معلمی بازنشستگی ندارد

در این برنامه که صبح روز سه‌شنبه و توسط انجمن علمی علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر و با حمایت بخش علوم اجتماعی و تلاش دانشجویان برگزار شده؛ دکتر عنایت‌الله شریف‌پور؛ رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر نیز با قدردانی از تلاش‌های دکتر زندرضوی می‌گوید: «در معلمی و استادی بازنشستگی وجود ندارد و همچنان دانشگاه از وجود ایشان استفاده خواهد کرد». او با بیان این‌که تقدیر از شان معلم کار بسیار ارزشمندی است، ادامه می‌دهد: «در بخش علوم اجتماعی ما استادان بزرگی داریم و یکی از بخش‌های قوی و پرتلاش دانشگاه به‌حساب می‌آید». او با اهدای یک لوح تقدیر از دکتر زندرضوی قدردانی می‌کند.

او یک معلم عاشق است

دکتر سوده مقصودی؛ مدیرگروه بخش علوم اجتماعی که خود را قدیمی‌ترین دانشجوی دکتر زندرضوی در این جمع معرفی می‌کند می‌گوید: «دانشجویان؛ عشق به پژوهشگری را با درس روش تحقیق ایشان یاد می‌گیرند. ویژگی‌های اخلاقی ایشان

هم بیشمار است اما به‌نظر من یکی از مهم‌ترینشان این است او یک معلم عاشق است. عشق به هر کاری دارد و هیچ کاری را با اکراه انجام نمی‌دهد. مثبت‌اندیشی و امید به آینده ویژگی دیگر ایشان است. نقدپذیرند و سر کلاس به دانشجویان یاد می‌دهند که نقد کنید».

همواره امید به بهبودی دارد

دکتر اکبری نیز به نمایندگی از گروه علوم اجتماعی نیز می‌گوید: «دکتر زندرضوی جامعه‌شناسی را کاربردی کردند و از آن در راستای بهبود زندگی مردم استفاده می‌کنند». وی اضافه می‌کند: «ایشان با روی

خوش همیشه آماده‌ی خدمت به هرکسی هستند که دچار حادثه‌ای شده باشد و در این مسیر، همواره هم بی‌ادعا بوده‌اند. ایشان در برابر نومیدی‌ها همواره موضع امید به بهبودی دارند». وی سپس از این‌که ۱۰ سال با دکتر زندرضوی در دانشگاه هم‌اتاق بوده اظهار خرسندی می‌کند و نحوه‌ی رفتار او با دانشجویان و مراجعه‌کنندگانش را می‌ستاید.

دکتر عامل یک رخداد اجتماعی است

دکتر داریوش بوستانی از دیگر استادان بخش علوم اجتماعی نیز به سخنرانی درباره‌ی رخداد اجتماعی از دیدگاه آلن‌بدیو می‌پردازد و در توضیح دیدگاه او می‌گوید که؛ دنیا پر از مجموعه‌های بیشمار بوده و در هر مجموعه، موجودی است که حضور آن تابع درجاتی از صفر تا صد است و باید رخدادی اتفاق بیفتد تا گشایشی حاصل و در کسی که عضویتش به صفر رسیده تغییراتی ایجاد شود. این رخداد اما باید منجر به حقیقت شده و این حقیقت نو ارائه و تکثیر گردد.

دکتر بوستان گاندی را مثال می‌زند که با آن رخداد بزرگ در هندوستان، منجر به حقیقتی نو شده و عضویت‌های صفر را به صد رسانده و توانستند بریتانیا را شکست بدهند.

او در ادامه، اظهار می‌کند: «در عصر جدید، یکی از سیاهی‌های کارنامه‌ی بشر این است که وابسته به تعدادی خط و مرز هستیم و چیزی همچون شناسنامه که اگر نباشد، هویتی برای ما تعریف نمی‌شود. طبق نظریه‌ی بدیو کسی که فاقد شناسنامه است عضویت صفر دارد و این، برای بشر امروز شرم‌آور است. مثلا کودکانی که در جغرافیای دیگری متولد شده و شناسنامه ندارند ناموجود قلمداد می‌شوند اما رخدادی اتفاق می‌افتد و کسی می‌آید به آن‌ها کمک می‌کند بی‌آنکه از آن‌ها سیم و زر و ورق بخواهد. این، یک رخداد است که درجه‌ی موجودیت این کودک را از صفر به حدی بالاتر می‌رساند و اگر بخواهم در کرمان کسی را مصداق این عمل بدانم؛ دکتر سیامک زندرضوی است».

مدرسه مشتاق بهشت است

آقای کرمیان نیز از دانشجویان قدیمی دکتر زندرضوی است که می‌گوید: «دکتر مردی بدون حاشیه است که همیشه هم در حاشیه قرارش داده‌ایم و با این کار، جفای بزرگی در حق علم کرده‌ایم. دکتر یک برند علمی است و جایگاه‌شان در قلب‌هاست».

ذبیح‌الله علی‌زهی؛ اهل افغانستان و از شاگردان مدرسه‌ی مشتاق نیز می‌گوید: «شعار ما بچه‌های مشتاق این است که دیروز بودند که امروز هستیم.

امروز هستیم که فردا باشند». او از زحمات دکتر زندرضوی و همسر ایشان رویا اخلاص‌پور برای بچه‌های مشتاق بارها و بارها قدردانی و اظهار می‌کند: «مرکز مشتاق یک مدرسه نیست. یک بهشت است». در پایان این مراسم؛ رویا اخلاص‌پور همسر دکتر زندرضوی پشت تریبون رفته و با شرح خاطرات گذشته که منجر به ورود دکتر به دانشگاه زابل و سپس انتقال به دانشگاه کرمان شده است، از تلاش‌های همسرش قدردانی می‌کند و به طنز می‌گوید: «هر روز و هر روز خدا را شکر می‌کنم که همسرم معلم شد چون در هیچ جایگاه دیگری نمی‌توانست هزینه‌ی خانواده‌مان را تامین کند».

زهرا موسی‌پور؛ مدیرکل امور اجتماعی استانداری کرمان نیز در این مراسم با اهدای یک لوح تقدیر از کوشش‌های دکتر زندرضوی قدردانی کرد.

یادداشت

گذار از دانشگاه گلخانه‌ای به دانشگاه در خدمت جامعه

داریوش بوستانی

دکتر سیامک زند رضوی، استاد اخیرا بازنشسته‌ی جامعه شناسی از دانشگاه شهید باهنر کرمان، از جمله استادان متعهد به راهبرد دانشگاه در خدمت جامعه هستند. ایده‌ی گذار از دانشگاه گلخانه‌ای به دانشگاه در خدمت جامعه چند سالی است که توسط ایشان طرح و در چندین دانشگاه نیز مطرح گردیده است. ایده‌ای که وی در تمام طول سی سال تدریس و پژوهش در دانشگاه عملا به آن پایبند بوده و همواره برای بهبود اوضاع جامعه بکار برده‌اند.

حوزه‌ای از جامعه شناسی که به این ایده پایبند است «جامعه شناسی مردم‌مدار » public sociology می‌باشد که توسط مایکل بوروی مطرح شد. بوروی بر این باور است که جامعه شناسی از دنیای مورد مطالعه‌اش فاصله گرفته و امروز وقت آن رسیده که به موضوع مطالعه‌اش برگردد و به عبارتی از برج عاج پایین آید. دغدغه‌ی جامعه شناسی مردم‌مدار، «گروه های مردمی» و روش آن و در مجموع آمیختن با مردم است. روشی که سال‌هاست دکتر زند رضوی به‌طور فعال در حوزه‌ی حقوق کودکان، آن را بکار گرفته و در سطوح مختلف تلاش کرده؛ به‌طور همه جانبه‌ای هم به آگاه نمودن جامعه از حقوق کودکان بپردازد و هم به‌طور عملی در مدرسه آزاد مشتاق زمینه‌ی آموزشی آن‌ها را فراهم کند.

شیوه‌ی پژوهشی دکتر زند رضوی، مبتنی بر اقدام پژوهی مشارکتی participatory action research است . محور، هدف و حتی اعتبار این سبک از پژوهش، تغییر وضعیت در جهت بهبود اوضاع افراد تحت مطالعه است. در واقع محقق در این حوزه از روش‌شناسی، از پشت میز به دنیای اجتماعی نظر نمی‌کند بلکه وارد میدان شده و با بهره‌گیری از تکنیک‌های مختلف، با سوژه‌های خود درگیر شده تا راهی برای توانمندسازی آن‌ها بیابد. در حقیقت در این روش، جامعه‌شناس نه یک محقق که تسهیل‌گر ی فعال است.

مخاطبین این دسته از جامعه شناسان، نه فقط جامعه‌ی دانشگاهی، بلکه عامه‌ی مردم و تصمیم‌گیرانی است که می‌توانند تاثیرگذار باشند. مقالات و کتاب‌های قابل توجهی از دکتر زندرضوی در این حوزه منتشر شده است. به‌طور مثال کتاب‌های: جامعه شناسی مدیریت بحران؛تجربه بم؛ جامعه‌شناسی کار کودکان، تجربه مرکز دوستدار کودک مشتاق؛ جامعه‌شناسی و بحران منابع طبیعی تجدید شونده در ایران؛ از آسیب‌پذیری تا رهایی، نیازها و حقوق زنان قبل و بعد از وقوع بلایای طبیعی؛ جایگاه آموزش در مدیریت بلایا مبتنی بر اجتماعات محلی؛ تنها نمونه‌ای از فعالیت‌های ایشان در حوزه‌ی روش «عملی - مشارکتی» می‌باشند.

بسیاری از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز تحت هدایت ایشان این روش را در جامعه آزمون کرده‌اند . در واقع ایشان در این حوزه از پژوهش و عمل، صاحب سبکی خاص هستند. آن‌چه کارایی ایشان را مضاعف کرده است، بینش علمی و منش اخلاقی اوست که با این حوزه از جامعه شناسی پیوند خورده است. برونگرایی، مدارا، توجه فعال به مخاطب، دیگرخواهی و دغدغه‌مند بودن، برخی از ویژگی‌های بارز اخلاقی ایشان هستند که تاثیر این روش را در جامعه شناسی ایران دو چندان کرده است . برپایی کارگاه‌های پیمان‌نامه حقوق کودک در سطوح محلی و همچنین ملی برای گروه های مختلف از مربیان مهدکودک گرفته تا مسئولان سازمان‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم با کودکان سروکار دارند از عمده‌ی فعالیت‌های مردم‌مدار دکتر زندرضوی است. علاقه و فعالیت ایشان در این حوزه باعث توجه و حساسیت شمار قابل توجهی از دانشجویان ایشان گردیده است. البته همکاران ایشان نیز از این فعالیت‌ها بی‌تاثیر نمانده‌اند. عضویت ایشان در هیات مدیره انجمن جامعه شناسی ایران نیز منجر به اثرگذاری مضاعف روش و بینش وی در گستره‌ی ملی شده است.

دکتر زندرضوی در بهمن ماه ۱۳۹۶ به افتخار بازنشستگی نائل آمدند و کارنامه‌ی ایشان مملو از فعالیت‌های میدانی مردم‌مدار است. برای ایشان آرزوی تندرستی داریم و امیدواریم کنشگری ایشان همچنان تداوم یابد.

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

یادداشت

رویکرد جامعه‌شناختی دکتر زندرضوی در بحران‌های طبیعی

تجربه زلزله‌ی بم

نعیما محمدی

استفاده از ظرفیت اجتماع محلی برای مهار بحران‌های اجتماعی و طبیعی تنها مکتب سیامک زندرضوی در قالب جامعه‌شناسی مردم‌محور نبود. چرا که این مکتب جامعه‌شناختی هم پیش از او وجود داشت و هم مدعیانی به نام پس از او در ایران و خارج از آن دارد. از این رو شاید بهتر است از تجربهٔ سال‌ها حضور او در بم پس از وقوع زلزله آغاز کرد تا بخشی از خدمات شایستهٔ این استاد برجستهٔ جامعه‌شناسی را به‌صورت عینی عملیاتی کرد.

توجه به اهمیت نیروهای عاطفی، پیوندجو و حمایت‌گر نهفته در محله‌ها راز نجات مردم در شرایط بحران و مصیبت است. دکتر سیامک زندرضوی در یک مصاحبه‌ی رسانه‌ای با یک بیان ساده که زبان اوست، از ظرفیت اجتماع محلی برای مدیریت بحران بم سخن گفت: «اگر هرکسی آسوده خاطر باشد که همسایه‌ای دارد که می‌تواند به خانواده‌ی او کمک کند، در وضعیت‌های بحرانی به وجود آمده نیازی نمی‌بیند که به نقاط دیگر شهر برود تا به خانواده و آشنایان خود کمک کند، بلکه در محله‌ی خود به همسایگان و اطرافیان امدادرسانی می‌کند».

اگر چه مفهوم «سرمایهٔ اجتماعی» «همدلی اجتماعی» و ... سال‌ها در ادبیات جامعه‌شناسی به‌صورت انتزاعی رواج داشتند و جسته گریخته توسط جامعه‌شناسان شاخص‌سازی می‌شدند و بکار می‌آمدند، اما استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی هم‌محله‌ای برای حل یک مسئلهٔ اجتماعی آن‌هم در مواقع بحرانی هنر عشق‌ورزی به هم‌نوع و خرد واقعی جامعه شناسی است که تا همین امروز همان حلقه‌ی مفقود شده است. در کشور ایران که زلزله بخشی از تجربهٔ زیستهٔ بسیاری از هموطنانمان است و همین الان گریبان هموطنان کرد ما در منطقهٔ کرمانشاه را گرفته، آموزش امدادرسانی محلی، مسئولیت شهروندی و انسانی است. طرحی که بارها توسط «زندرضوی» مطرح و هر بار کمتر مورد توجه قرار گرفت. «امدادرسانی نه پدیده‌ای نظامی‌ست، نه اداری، نه اجرایی ...؛ بلکه فقط و فقط باید مردم‌نهاد باشد ». ایشان در این راه پس از خلق مفاهیم کلیدی نظیر جامعه‌شناسی مردم‌محور، اجتماعات محلی، ظرفیت محله‌ها و همدلی محلی با اتکا به مفهوم قدیمی «سرمایه اجتماعی» پنجره‌ای جدید به سمت کاربردی کردن جامعه شناسی باز کردند و آن مدیریت کاهش هزینه‌های انسانی و مالی ناشی از بلایای طبیعی که او با چشم خویش و با تمام وجودش ابعاد مصیبت‌های ناشی از آن را دیده بود و درک کرد. سال‌ها بعد شاهد بودیم که او از این‌هم فراتر رفت و به انتقال تجارب زیستهٔ خود برای مهار پیامدهای بحران و کنترل بحران‌های طبیعی به دانشجویانش پرداخت. اگرچه سیامک زندرضوی در انتقال دانش و تجربه به دانشجو همواره مفید و مؤثر عمل کرده است و از این جهت یکی از شایسته‌ترین معلمانی است که در آموزش درس روش تحقیق عملی- مشارکتی که هم باورش هست و هم روش مطالعهٔ تخصصی او می‌باشد موفق عمل کرده است.

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تجربه‌ی مرکز دوستدار کودک مشتاق؛

خدمت یک جامعه شناس عملگرا به جامعه

زهرا قاسم‌زاده

انجمن دوستداران کودک کرمان سازمانی غیردولتی وغام‌المنفعه است که درسال ۱۳۷۸ با هدف تحقق پیمان حقوق کودک وترویج آن بامشارکت جمعی از مربیان ومتخصصان کودک درکرمان آغاز به‌کار کرد . اولین مرکز آموزشی آن «مهد سبز » بود که باهدف آموزش پیش‌دبستانی رایگان به کودکان کارش را شروع کرد .

درهمان سال اول، مرکز شاهد حضور کودکانی بود که بزرگ‌تر از سن پیش‌دبستان بودند و از تحصیل محروم مانده بود وکودکانی که فاقد کارت هویتی مناسب برای ادامه‌ی تحصیل درمراکز رسمی آموزشی بودند وبدین ترتیب بود که انجمن دومین پروژه‌ی خود را با حمایت دکتر سیامک زندرضوی آغاز کرد که تا به‌امروز همچنان ادامه دارد؛ چرا که همچنان با کودکانی مواجه هستیم که ازتحصیل بازمانده‌اند.

ابتدا کلاس‌های این مرکز در حاشیه‌ی مهد سبز تشکیل می‌شد؛ اما بعد از آن، ساختمان مستقلی در خیابان شهدا(زریسف) برای آموزش کودکان این مرکز اجاره شد. این کودکان در مدارس رسمی پذیرفته نشده بودند، بنابراین کودکان جایی را جستجو می‌کردند تا بتوانند درس بخوانند. این مرکز پذیرای همه‌ی کودکانی است که مشتاقانه می‌خواهند درس بخوانند، شادی کنند، بازی کنند، کار گروهی و مشارکت را تمرین کنند و در یک کلام کودکی کنند.

آموزش در این مرکز، برپایه‌ی پژوهش عملی مشارکتی، ارتباط بدون خشونت و آموزش محبت‌آمیز به کودکان و ایده‌های ویلیام گلاسر در مورد مدارس بدون شکست می‌باشد. در پژوهش عملی مشارکتی، معلم به عنوان تسهیل‌گر در کنار کودکان قرار می‌گیرد و دستیابی آنان به دانش و مهارت‌های لازم را تسهیل کرده و ابزار گوناگون آموختن را در اختیار آنان قرار می‌دهد. در واقع کودکان خود نیز به عنوان پژوهشگر شناخته می‌شوند و در این روش تأکید بر استفاده از امکانات اجتماع محلی و ارتباط با آن است.

در ارتباط بدون خشونت و آموزش محبت‌آمیز کودکان به این نکته توجه می‌شود که آموزش کودکان همراه با ارتباط و احترام متقابل باشد و ارزش‌های زندگی را با کودکان تمرین نمود. این دیدگاه در مرکز با تلاش آقای دکتر زندرضوی روزبه‌روز در حال تقویت و گسترش است. دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم اجتماعی هم که در مرکز کار تحقیقی خود را با راهنمایی ایشان انجام می‌دهند تلاش می‌کنند این ایده‌ها را در عمل تمرین نمایند.

از جمله رویکردهای دیگری که به همت آقای دکتر زندرضوی به مرکز دوستدار کودک مشتاق معرفی شد جامعه شناسی مردم‌مدار است. در واقع این نوع جامعه‌شناسی کمک می‌کند که با افراد جامعه رابطه‌ی دو سویه برپایه‌ی گفتگو ایجاد شود. مردمی که خودشان فعال هستند و نقش مهمی در حل مسائل روزمره‌ی خود داشته و ایده‌های خود را برپایه‌ی گفتگو بیان می‌کنند. این گفتگوی دو جانبه باعث برقراری آموزش می‌شود. بنابراین در مرکز دوستدار کودک مشتاق تلاش می‌شود که این گفتگوی دو جانبه بین کودکان و آموزشگران و داوطلبان ایجاد شود و از طریق گفتگو مسائل مرتبط با کودکان (بازمانده از تحصیل - کودکان کار) شناسایی شده و این مسائل در قالب پروژه‌های آموزشی مطرح شود و کودکان راه حل‌هایی را با همفکری یکدیگر جستجو کنند. بنابراین سعی می‌شود که با استفاده از این نوع جامعه‌شناسی، دنیا مکان بهتری برای کودکان گردد.

این مرکز امسال با تعداد ۴۵۰ کودک، یازدهمین سال کاری خود را می‌گذراند. هزینه‌های این مرکز با کمک‌های مردمی ، حمایت اعضا هیئت مدیره انجمن وحق عضویت این کودکان تامین می‌شود و مدیریت آن زیر نظر انجمن دوستداران کودک است. بخش اعظم نیروی آموزشگر مرکز داوطلبانی هستندکه درجستجوی تجربه‌ی شیوه‌های نو آموزش می‌باشند

در کنار آنان، دانشجویانی هستند که کار تحقیقی خود را در مرکز انجام می‌دهند؛ این دانشجویان عمدتا دانشجویان دوره‌ی کارشناسی علوم اجتماعی و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی می‌باشند.

گروه دیگری که حامی کودکان مشتاق می‌باشند پزشکان داوطلبی هستند که در زمینه‌ی ویزیت و درمان کودکان مرکز کمک می‌نمایند و عموما برای انجام عمل جراحی و تهیه‌ی داروهای مورد نیاز کودکان کمک می‌نمایند و در مواردی والدین این کودکان و دیگر فرزندان خانواده‌ی آنان را هم پوشش می‌دهند.

درسال‌های اخیر، مرکز دوستدارکودک مشتاق برای کودکان مرکز، حامی آموزشی می‌پذیرد وهمواره افراد علاقه‌مندی در شهر هستند که این کودکان را می‌بینند و به مرکز معرفی می‌کنند .

گروه‌های دانشجویی نیز درکنار مرکز سعی می‌کنند امکاناتی از قبیل اردوهای تفریحی وآموزشی ویا کمک موردی شامل: کتاب، لوازم التحریر، پوشاک و کفش و غذا، کمک به برپایی جشن به مناسب‌های گوناگون را فراهم کنند

هدف اصلی آموزش، سوادآموزی وآموزش مهارت‌های زندگی درقالب علوم ، ریاضی ، جغرافیا و دانش اجتماعی است و آموزش‌ها در هر کلاس با توجه به ویژگی‌های کودکان ومعلم کلاس، متفاوت است؛ در حالی‌که اهداف آموزشی مشترک می‌باشد .

این مرکز، فضای محبت‌آمیز ومهربانی است که ادعای بزرگی ندارد و تنها براین باوراست که «شادی آنجاست که همه ارزشمند هستند»؛ این جمله‌ای است که بر دیوار مرکز، توسط خود کودکان نگاشته شده است .

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، تسهیل‌گر مرکز دوستدار کودک مشتاق